

نگاه

بیم‌ها و امیدهای آیدین آغداشلو*

پیش خودم عهد کرده بودم در جایی حاضر نشوم و صحبت نکنم در ادامه یک عهد مفصل‌تری که فقط نقاشی یکشم و هیچ کار دیگری نکنم. اما دعوت نمایشگاه ۱۱ جوان برگزیده دو دوره جشنواره‌های هنری تجسمی دامون‌فر را نه نتوانستم بگویم و چه بهتر که نه نگفتم. موظفم برای ادای دین به این نسل سخن بگویم والا در فرصتی که هست جایی برای نقد و بررسی وسیع نیست و باید به چند کلمه اکتفا کرد که باطالع این کار بسیار دشواری است. مساله اصلی که مایل هستم مطرح شود و حیف است که پیرامون آن کم بحث شده‌است «نسل جدید نقاشان ایران است.» نسل جدیدی که در طول دهه گذشته کارشان را شروع کردند. درباره اینها خیلی کم کار شده و خیلی کم حرف زده شده است. تقریباً من در جایی برخورد نکردم. این در حالی است که اگر من آیدین که حتی در این زمینه هم توجه به آثار نسل جوان اندک است. لذا درباره نسل جدید نقاشان ایران چند کلمه‌ای می‌گویم نه به این عنوان که چیزی روشن شود بلکه به این مقصود که فتح بابی شود تا در این باره به طور جدی سخن گفته و بحث شود. نسل جدیدی که در محدوده زمانی ۱۲–۱۰ سال اخیر پای به عرصه وجود گذاشته‌اند لایق ستایش بسیارند چون در این سال‌ها خوب کار کرده‌اند. این ۱۲–۱۰ سال یک دوره زمانی مشخص با تنالیته یکی دو سال این طرف و آن طرف است که در پدید آمدن این نسل جوان پرنام‌ریزی موزه هنرهای معاصر بسیار مهم بود. شوقی که از نسل جوان و هنر جدید شد بسیار. آثار قابل تحسین شد البته در این دوره فراز و فرودهایی هم هست با همه تامل شدن‌های جدید. اما اغزهای مجدد این جریان زنده ماند و این نشانه‌ای است که فرهنگ ما فرهنگ رایزنده‌ای است که جدی و پویا است. فرهنگ‌گی که همچنان حاصل می‌دهد. بنابراین نباید از یک دوره خیلی خوشحال و نباید از یک دوره‌ای خیلی غمگین شد. می‌توان اطمینان داشت اینجا همیشه نسلی جوان هستند که شکر خدا می‌توانند در حوزه شخصی خودشان فارغ از همه جریانات بیرونی اثر خلق کنند. نقاشان جوان می‌نشینند توی خانه‌هایشان و با اندکی مخرج اثر می‌آفرینند و این قسمت مثبت مساله است. این روند در سبب تعداد نقاشانی که به مراتب پیچیده و سخت می‌شود اما این مخرج اندک نقاشی، یک امتیاز و یک زمینه برای نسل جوان هنرمندان ما بسیار کارساز بوده است. در همین راستا است که وقتی «جشنواره‌های هنرهای تجسمی دامون‌فر» ویژه جوانان زیر ۲۵ سال در سال ۸۵ با همه عرصه وجود می‌گذازد در جشنواره، ور کشاها و نمایشگاه‌های شمار بسیار حیرت‌انگیزی از جوانان شرکت می‌کنند. من افتخار داشتم در نخستین جشنواره دامون‌فر حاضر باشم و به جز دآوری که بگذریم گالری‌ها و موسسات موظف از جوانان حمایت چندانی نکرده‌اند. جوانان نقاش ما تنها هستند و تنها این راه را ادامه دادند و خودشان دنبال کار خودشان هستند که این کار آسانی نیست. البته نه همه دنیا این طوری نوشته می‌شود. اینجا هم‌همین همیشه نامید بودم به خصوص در طول ۲۰ سال گذشته فکر می‌کردم گروه‌های هنری و هنرمندان ما بدجوری طبقه‌بندی و مشخص شده‌اند. قدیمی‌ترها همه خودشان را بدجوری به سنگینی به روی هنر و فرهنگ معاصر انداخته‌اند. هنوز هم اینچنین است. هنوز هم غیر از این نیست. شاید درست و مودبانه باشد که تذکر دهم این سایه پاینده باشد. بالاخره قدیمی‌ها هم زحمت کشیده‌اند. راه را کوبیده‌اند و باز کرده‌اند ولی باید بگویم برای اینکه فکر می‌کنم این حرف و سخن تازم‌ای که نشانه ولادت جدید، نشانه دوران جدید است تجلست؟ خب خوشحالم که نوید دهم همین جاست. در همین گالری ۱۱ جوان برگزیده دو دوره دامون‌فر بارقه‌های این فرزند نوسه‌ده است. نسل جدید هنرمندان جوان هنرهای تجسمی ما حرف بسیار برای گفتن دارند. گاهی آثارشان بسیار جدی است و دست به مکاشفه‌ای می‌زند حتی مکاشفه در ذات هنر. گاه نیز سرخوش هستند، به تزیین می‌گیرند و نیز هنری که به تعداد زیادی دیلسته شده است. در هر دوره‌ای از هنر جهان یا ایران از قرن بیستم به این سو هر وجه و رویکرد به هنر را داشته‌اند. نقاشی‌های پرتره، منقفا، ویرهای الکساندر کالر، آسلم کفر، فرانسیس بیکن، فروید و دیگران همیشه کنار هم بوده‌اند. و زیبایی هنر هم در این همجنشینی رویکردها و این تنوع است و باز در همین نمایشگاه برگزیده هم هر دو نگاه به هنر، نگاه جدی و نگاه سرخوشانه را می‌بینیم. چه خوب است که این دو وجه در کنار هم حرکت می‌کنند. البته پنهان نمی‌کنم در جایایی و زمان‌هایی من تکرار نمود و هستم که وجه تزیینی، وجه شوخ و دلپذیر غلبه یابد و به یک اصل درآید یعنی چنان فرایگز شود که هنر کیچ (هنر بازاری) هنر رسمی شود. هنر کیچ در جای خود هیچ اشکالی ندارد خیلی هم زیباست کمایکنه من از تماشای کارهای «جف بومر» لذت می‌برم. اما این جف بومر» که من از تماشای بدل‌هایش لذت نمی‌برم اما از تماشای اصل آثار «جف بومر» لذت می‌برم. اما آن بپیم من هم درست نبود زیرا همین مجموعه ۴۰ نقاشی ۱۱ نقاش از هر دو وجه گذشته جوان ما نماینده می‌کنند و می‌گویند این دو وجه خودشاد هم پیش می‌روند. فکر می‌کنم این شمار بسیار هنرمند جوان و این عمق مفهوم که در اغلب آثار آنهاست امیدوارکننده است. حتی در جاهایی که رد هنر گروتسک دیده می‌شود- هنر خیلی خاصی که مخاطب خود را به اد نوهین و تمسخر و حمله می‌کشد- حتی در این نوع هنر که ظاهراً تکلیفی برای خود قائل نیست هم من هنرمندان‌مان را صاحب اندیشه می‌بینم. در اغلب آثار جوانان ما معانی دوران خودشان و نسبت‌شان با جهان اطرافشان، چه جامعه‌ای که آن می‌زیند و چه جامعه بزرگ جهانی تعیین شده است و دارند می‌گویند کجا ایستاده‌اند. اما بپیم تازه من زمانی از راه می‌رسد که من منتقد قبلی پایش را به میان می‌کشد و از چشمان آن منتقد می‌بگرم و می‌بینم چندی مواجه می‌شوم که مبادا کارهای امروزی جوانان ما بیش از حد تصویر گراییه شده باشد. این بیم را به راستی دارم و آن را بد می‌نامم زیرا چیرگی یک سبک و شیوه به هیچ وجه خوب نیست. از این‌که بگذرم مهارت فنی هنرمندان جوان ما بسیار بالاست و هنرمندان بسیار جدی هستند اگرچه آثارشان به ظاهر شوخ باشد. لذا چگونه می‌توانم از عهده ستایش نسل جوانی برایم که تقریباً بی‌هیچ چمپلدانستی، بی‌هیچ مراقبت و تقویتی کار کرده‌اند. این را از صمیم قلب می‌گویم و به راستی این طور فکر می‌کنم؛ فکر می‌کنم برخی از این جوانان در سنین زیر ۳۰سال استان ما هر و طراز اولی هستند که با دوره جوانی ما جایی که ما شروع کردیم، اصلاً قابل مقایسه نیستند. بنابراین در نهایت فروتنی عرض می‌کنم و امیدوارم ظاهر خودخوانه‌انی نباید که اگر نقاش ۷۰ساله‌ای که یک عمر کار کرده است کارهای بچه ۲۵ساله را ببیند و لذت ببرد و کیف کند و بگوید حتی من هم نمی‌توانم این نقاشی‌ها را بکشم.

***سخنرانی آیدین آغداشلو در افتتاحیه‌نمایشگاه**

برگزیدگان دامون فر

گفت‌وگو با ایرج شافعی به بهانه برپایی نمایشگاهش در «خانه هنر»

نمی‌توانم مدام خودم را تکرار کنم

میریم رضایی

تاثیر من از آغداشلو خیلی طبیعی است در حالی‌که برخی احساس می‌کنند من قصد مقاومت نسبت به این اتفاق را دارم. من حدود ۲۶–۲۵ سال زندگی کاری در کنار او داشتم، ولی سعی کرده‌ام تا چه اندازه موفق بوده‌ام یا نبوده‌ام به نقد دیگران برمی‌گردد) دنیای خاص خودم را پیدا کنم.

ایرج شافعی متولد ۱۳۴۱، دهمین و آخرین فرزند خانواده‌ای از خطه کردستان است. از آغازین روزهای کشف استعداد و علاقه‌اش به نقاشی، مادرش اصلی‌ترین و قدرتمندترین حامی‌اش بود. مانند بسیاری از نقاشان، ابتدا برتره را سوزهٔ اصلی نقاشی‌هایش قرار داد. ۲۱ساله بود و به چیزی جز نقاشی نمی‌اندیشید. توانمندی و استعدادش افراد خانواده را به وجد آورد تا اینکه به اصرار یکی از برادرانش تصمیم گرفت نقاشی را به صورت آکادمیک بیاموزد. زمستان ۱۳۶۲ آموزش نقاشی را نزد آیدین آغداشلو شروع کرد و یادگیری تکنیک‌های مختلف را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت و آغداشلو هم ۲۴ سال پیش او را به گالری سیحون معرفی کرد؛ هنرمند پرکاری که تقریباً هر سال در گالری سیحون نمایشگاه انفرادی برپا می‌کرد. طی چند سال گذشته هم زنده‌یاد سیحون سالروز تاسیس نگارخانه‌اش را با نمایش آثار او جشن می‌گرفت. در سال‌های جنگ ایران و عراق به موضوعاتی فراتر از انگیزه‌های اولیه‌اش می‌اندیشید. سکوت شب‌های خاموشی، صدای آژیر قرمز، آرزوی برقراری صلح و آرامش و عشق و علاقه به مادری که در تمام این لحظات چتر محبت و حمایتش بر سر او گسترده بود آثار اولین نمایشگاه انفرادی ایرج شافعی را به وجود آوردند. اما شافعی دومین نمایشگاه خود را بعد از ترک خانه پدری با نقاشی‌های بدیع ابرنگ و پنج‌رنگ‌ها، دیوارها و راه‌پله‌های منزل قدیمی برپا کرد و سیر آثار نقاش با نقاشی‌های ابرنگ و پاستل به گل و مرغ‌های گواش و رنگ و روغن رسید، تا در نمایشگاهی که این روزها در آرت‌سنتر برپا است، دیوارهای گالری «ملک» را با حدود ۲۰ اثر منتخب نقاشی از ده سال اخیرش پوشاند. آثار او برگرفته از طرح‌هایی با نشانی مستقیم از فرهنگ اصیل ایرانی است، گل‌ها، پرندگان، ظرف‌های شککنده چینی رنگارنگ و اشیای نفیس قدیمی تصویر شده‌است. این نخستین حضور نمایشگاه انفرادی شافعی خارج از گالری سیحون است. او در عین حال نمایشگاهش را به معصومه سیحون که به‌تعبیر او «بانوی هنر، دوست دیرین و پشتیبان هنرمندان بوده، تقدیم کرده است.

عنوان نمایشگاه، منتخب آثار ایرج شافعی است. این

تابلوهای منتخب با چه اولویت‌هایی انتخاب شده‌اند؟ همان‌طور که با نگاه به نمایشگاه می‌توان مشاهده کرد گویا از دوره‌های مختلف کاری تا آخرین آثار انتخاب شده‌اند؟

این مجموعه حاصل ۲۸،۲۷ سال نقاشی کشیدن و مسیری است که با ده‌ها نمایشگاه انفرادی و تعداد زیادی از نمایشگاه‌های گروهی ادامه یافته است. چندی پیش دو نفر از دوستان و علاقه‌مندان به کارهای من، آنها را جمع‌آوری و خریداری کردند و این مجموعه مربوط به دوره‌های مختلف کاری‌ام می‌شود. البته انتخاب از طرف آنها و به سلیقه من بوده است. در سلیقه‌های که برای انتخاب این آثار داشتید، چه اولویت‌هایی برای شما اهمیت بیشتری داشت؟

عصاره هنر دوره را در این مجموعه در نظر داشته‌ام. می‌خواستم کلیت نمایشگاه از نظر موضوع، اجرا و کمپوزیسیون حس شخصی‌ام را نمایان کند.

در این انتخاب به نوعی مخاطبی که کارهایتان را دنبال می‌کند یا حتی برای اولین بار با آن برخورد می‌کند به راحتی می‌تواند روند کاری شما را در این سال‌ها مرور کند؟

واقعاً تصور هنگام انتخاب این بود. حتی بعضی از کارها را جفت کردم تا جواب آن دوره سه‌ساله را بدهد. حاصل سه چهار سال کار کردن رادر دو کار جادادم البته موقعیت گالری هم به گونه‌ای است که می‌توان به راحتی این کارها را در آن جا دید. **پیش از این هر سال نمایشگاه‌های انفرادی خود را در گالری سیحون برپا می‌کردید، حال چه شد که این عادت را کنار گذاشتید و سر از آرت سنتر درآوردید؟**

من نقاشی را در سال ۱۳۶۴ با نمایشگاه جمعی در گالری



نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه

نگارخانه